



عوامل تأثیرگذار در پایداری «رزق طیب» از منظر امام سجاد «علیه السلام»

رحمان عشریه^۱، محمدعلی خرمی^{۲*}، طیبه کجوری نژاد^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2024.28891.1054

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴



چکیده:

رزق طیب، رزقی گوارا و سازگار با فطرت و طبیعت قوای انسانی بوده و موجب سلامت جسم و تعالی روح انسان است. آموزه‌های دینی و دعاهای پیشوایان دین راه‌گشای مؤمنان در مسیر کسب رزق طیب هستند. امام سجاد علیه‌السلام در فرازهایی از دعاها درخواست رزق طیب و راه‌کارهای حفظ و مداومت آن را از پروردگار متعال درخواست نموده است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی تحلیلی، در نظر دارد تا علاوه بر ۵۴ دعای صحیفه کامله که در دسترس همگان است از میان ۲۷۰ دعای امام زین‌العابدین علیه‌السلام که تا حدودی ناشناخته و مهجور است، به جمع‌آوری محتوا در مورد حفظ و دوام رزق طیب بپردازد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه امام سجاد علیه‌السلام حمد و شکر خداوند، زهد، توکل بر خدا، قناعت، میانه‌روی در مخارج زندگی، رضایت به روزی مقدر و در نهایت، عمل به دستورات قرآن موجب می‌شود که رزق طیب در زندگی انسان پایدار و محفوظ باشد.

واژه‌های کلیدی: امام سجاد(ع)، رزق طیب، عوامل اثرگذار در پایداری رزق طیب، ادعیه امام سجاد(ع)

۱- دانشیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم. oshryeh@quran.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم. (نویسنده مسئول) * m.a.khorramii@gmail.com

۳- دانش آموخته سطح سه حوزه علمیه قم Kajore4646@gmail.com

مقدمه

رزق طیب، روزی حلال و پاکیزه که از راه مشروع به دست آید، گوهری ارزشمند در زندگی انسان است. این نوع رزق، فراتر از تأمین نیازهای مادی، بر سلامت جسم و جان و تعالی معنوی انسان نیز اثرگذار است. در دنیای پرمشغله امروز، دغدغه روزی و معاش همواره ذهن و فکر انسان را به خود مشغول می‌دارد. در این میان، آموزه‌های دینی و دعاهای ائمه اطهار علیهم‌السلام راه‌گشای مؤمنان در مسیر کسب رزق و روزی حلال و طیب هستند.

مجموعه دعاهای امام سجاد علیه‌السلام گنجینه‌ای ناب از راز و نیاز با خداوند است. در میان آن، دعاهای متعددی برای طلب رزق و روزی حلال و طیب به چشم می‌خورد. این دعاها سرشار از آموزه‌های اخلاقی و عرفانی و چراغ راهی برای انسان در مسیر کسب روزی حلال و معنوی هستند. رزق طیب از جهات گوناگونی قابل بررسی است. در مقالات و نوشته‌های مختلف، به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شده است. در این نوشتار، دعاهای امام سجاد علیه‌السلام با رویکرد عوامل تأثیرگذار بر پایداری و استمرار رزق طیب مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

بیشتر آثار پژوهشی در زمینه رزق طیب، با رویکردهای پیش رو ارائه شده‌است، از جمله مقاله «نقش رزق طیب در شکل‌گیری حیات طیب» نوشته متین رضائی، به نقش رزق طیب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری حیات طیب پرداخته است. مقاله «شکوفایی و رشد انسان با رزق طیب» نوشته آقای حسین افخمی روحانی و آقای حسین زمانی، نیز به تأثیر رزق طیب در رشد انسان پرداخته است. مجموعه مقالاتی که به بررسی رزق طیب پرداخته‌اند، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه والای این مفهوم در آموزه‌های دینی است. علی‌رغم تلاش‌هایی که در حوزه‌های مختلف معارف اسلامی در حوزه «رزق طیب» صورت گرفته است، پژوهشی که متمرکز بر عوامل تأثیرگذار در پایداری «رزق طیب» آن هم در ادعیه و مناجات سید الساجدین امام سجاد علیه‌السلام باشد، مشاهده نشده است، بنابراین، پژوهش حاضر در صدد است که به این مهم بپردازد.

۱. مفاهیم تحقیق

۱-۱. رزق

رزق در فرهنگ فارسی به معانی روزی، باران، ماهانه سرباز و اموال غیر منقول آمده است (بستانی، ۱۳۷۵: ۴۲۹ و دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲۰۵/۸). امادر فرهنگ لغت عربی به معنای آن چیزی است که از آن نفع برده می‌شود (شرتونی، ۱۳۷۴ش: ۳۷۵/۲؛ معلوف، ۱۳۷۱: ۲۸۵/۱؛ فیروزآبادی ۱۴۱۵ق: ۳۱۹/۳). رزق دو نوع است: ۱-رزق ظاهری که مخصوص جسم‌ها و بدن‌ها (و مرتبط با آن‌ها است) مانند قوت و غذا ۲-رزق باطنی که مخصوص قلب‌ها و روح‌ها است؛ مانند دانش و علوم که روزی باطنی محسوب می‌شوند (ابن‌منظور، بی‌تا: ۱۱۵/۱۰) و به نظر می‌رسد در برخی از موارد که باران یا غذاها و نعمت‌های مادی رزق نامیده شده است، در واقع هرکدام مصادیقی از رزق ظاهری محسوب می‌شوند. ابن‌فارس اصل ماده رزق را به معنای عطا کردن در وقت گرفته است و عطاهایی را که وقت‌دار نیستند، هم بر عطا در وقت حمل کرده است و رزق را به معنای عطای خداوند معنا کرده است. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق: ۳۸۸/۲).

علامه طباطبایی در مورد رزق بیان کرده است که رزق به معنای چیزی است که مورد انتفاع مرزوق قرار گیرد و از هر چیزی، آن مقدار رزق است که مورد انتفاع واقع شود و وسعت رزق و تنگی آن ربطی به زیادی مال و اندکی آن ندارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۴۱/۳).

۱-۲. طیب

واژه «طیب» در لغت به معانی مختلفی از جمله برترین از هر چیز (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق: ۲۲۶/۹) و حلال (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۴۶۱/۷) و خوش‌بو، پاک (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۵۸۶) آمده است. این کلمه به صورت اوصاف برای واژه‌های مختلف استفاده می‌شود که در هر کدام معنای خاصی می‌دهد، به طوری که وقتی گفته می‌شود «طَیْبٌ حُجْرَاتُهُمْ» یعنی عقیف هستند (زمخشری، ۱۳۹۹ق: ۱۱۴). «ماء طیب» یعنی آب گوارا و پاک و «طعام طیب» یعنی غذایی که در گلو گوارا است و «طیب الاخلاق» یعنی در معاشرت سخت‌گیر نیست و «بلد طیب» یعنی زمینی که در آن جای شوره‌ناکی نیست یا زمینی که دارای امنیت و خیر فراوان است (ابن‌منظور، بی‌تا: ۵۶۳/۱).

«کلمه طيبة» یعنی شهادتین «اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله» (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۳۰/۱۴). «ارض طیب» به زمینی گویند که صلاحیت کاشت گیاه را داشته باشد و «ریح طیب» به باد ملایم گفته می‌شود و «امرأة طيبة» به زن پرهیزگار و عقیف گفته می‌شود و «نفس طيبة» یعنی نفسی که

راضی به مقدرات است و «حِنْطَةُ طَيِّبَةٍ» به گندمی که در خوبی متوسط است، گفته می‌شود و «تُرْبَةُ طَيِّبَةٍ» یعنی خاک پاک (ابن منظور، بی‌تا: ۵۶۳/۱). یکی از کلماتی که این واژه صفت آن واقع می‌شود «رزق» است و به نظر می‌رسد که جامع‌ترین تعریف آن است که طیب را به چیزی که مطلوب است و در آن پلیدی ظاهری یا باطنی وجود ندارد، تعریف کرده است؛ در مقابل خبیث و ناپاک که در آن پلیدی ظاهری یا باطنی است و نفس از آن کراهت دارد و طیب بودن در هر چیزی به حسب خودش است و با تغییر موضوعات معنایش متناسب با موضوع خودش تغییر پیدا می‌کند؛ مثل غذا و مکان و شخص و شهر و بو و خاک و... و مراد از رزق طیب یعنی روزی که حلال و لذیذ و مطلوب باشد و زمانی روزی طیب می‌شود که از پلیدی و ناپاکی و نجاست در آن نباشد و مطلوب نفس سلیم قرار بگیرد» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۸۴ / ۷ - ۱۸۱).

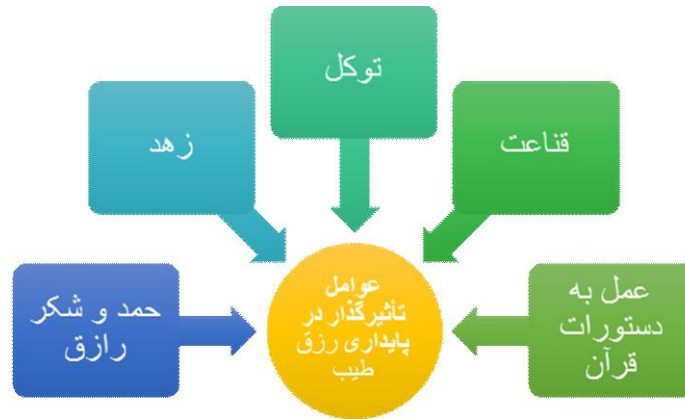
مصطفوی در تعریفی جامع، طیب را به چیزی مطلوب تعریف می‌کند که هیچ‌گونه پلیدی ظاهری یا باطنی در آن وجود ندارد. در مقابل، خبیث و ناپاک به چیزی ناپسند اطلاق می‌شود که دارای پلیدی باشد و نفس از آن کراهت دارد. طیب بودن در هر چیزی به حسب خودش است و با تغییر موضوعات، معنایش متناسب با موضوع خودش تغییر پیدا می‌کند؛ مثل غذا و مکان و شخص و شهر و بو و خاک و... و مراد از رزق طیب یعنی روزی که حلال و لذیذ و مطلوب باشد و زمانی روزی طیب می‌شود که پلیدی و ناپاکی و نجاست در آن نباشد و مطلوب نفس سلیم قرار بگیرد (همان).

۳-۱. رزق طیب

رزق طیب، رزقی است که شرع و عقل و فطرت آن را مباح کرده و این اباحه وقتی است که استفاده از آن از حد اعتدال تجاوز نکند (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۸۲/۸-۸۱). مراد از طیبات، بهره‌گیری از نعمت‌های الهی که ملائم با نفس، برای نیرو گرفتن در کارهای الهی است؛ به طوری که این بهره‌مندی هدف باشد. (همان: ۳۴۶/۲۱). بنابراین در اسلام آنچه طیب باشد، دارای مصلحت است و عقل سلیم آن را درک می‌کند؛ زیرا، طیبات بر محور فطرت خداوندی سامان یافته‌اند تا انسان را در مسیر درست استوار نگه دارد و هر آنچه خبیث است، دارای مفسده بوده و عقل و شرع حکم به اجتناب از آن می‌دهد.

۲. عوامل تأثیرگذار در پایداری رزق طیب

امام سجاد علیه‌السلام در دعاهاى مختلف وسعت رزق را با قيد طيب بودن بيان نموده است و علت ارزش آن را قرار دادن انسان در مسير فرمان بردارى از خداى سبحان ذکر کرده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ السَّعَةَ مِنْ طَيِّبِ رِزْقِكَ وَالْعَوْنَ عَلَى طَاعَتِكَ وَالْقُوَّةَ عَلَى عِبَادِكَ» (ابن طاووس، ۱۴۰۹ ق: ۱۵۷).



۲-۱. حمد و شکر رازق

از آنجا که حمد و ستایش، رحمت و روزی را از جانب خداوند جلب می‌کند، دعاهاى امام سجاد (علیه‌السلام) با حمد خداى سبحان شروع شده است. حمد، فعلی از افعال ارادی انسان است. حمد و ستایش معیار و محور انسانیت و انسان‌شناسی است.

فخر رازی در توضیح الحمد لله از رسول (صلی الله علیه و اله) روایت می‌کند. هنگامی که خداوند نعمتی را به بنده‌اش عنایت کند و او در برابر آن نعمت بگوید «الحمد لله» خداوند می‌فرماید: بنده‌ام را بنگرید، من به او شی‌ای کم‌ارزش دادم، ولی او در برابرش آنچه که برایش قیمت معینی نیست به من هدیه کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۲۳/۱).

وقتی خداوند نعمتی عنایت می‌کند، این نعمت از جانب او غیرعادی نیست، بلکه نعمتی است که کرم و لطف و عنایتش اقتضا کرده است؛ مانند تمام نعمت‌هایی که در ارتباط با ربوبیتش نسبت به بندگان است و جمیع این عنایت‌ها از نظر کمی و زمانی محدود در چهارچوب نهایت است. ولی زمانی که عبد می‌گوید «الحمد لله» یعنی همه آن حمدی که حامدان آورده‌اند از آن خداست و هر حمدی که

ستایش کنندگان از آوردنش عاجز بودند. اما به حکم عقل، آوردنش در امکان است، آن هم از آن حضرت حق است. لیکن نعمت‌های خاص در دنیا متناهی است و حقیقت «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بی‌نهایت است و هنگامی که مقدار متناهی از بی‌نهایت کسر شود، باز بی‌نهایت در بی‌نهایتی خود می‌ماند و طاعت بی‌نهایت نعمت بی‌نهایت می‌خواهد به همین سبب عبد در برابر ستایش مستحق ثواب ابدی و خیر سرمدی است و روزی و نعم فراوان بر او سرازیر خواهد شد (انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۱۵ - ۱۰۸)

امام سجاد (علیه‌السلام) از خداوند برای امتیازهایی که انسان نسبت به سایر مخلوقات دارد و رزق طیب که بر او جاری نموده، سپاسگزاری کرده است و می‌فرماید: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ وَ اجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ**»؛ (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۹/۱) سپاس خدایی را که نیکویی‌های آفرینش را برای ما برگزید و روزی‌های پاکیزه را بر ما روان (فراوان) گردانید و با تسلط و توانایی ما را بر همه آفریدگان برتری داد.

ایشان در کلامشان معرفت شکرگزاری از نعمت‌ها را از جانب خداوند می‌داند و به خاطر این معرفت، خدا را سپاسگزاری می‌کند و به ما می‌آموزد که انسان ناسپاس از حدود انسانیت خارج می‌شود. سپس ایشان به کلام وحی استناد می‌کند و می‌فرماید: «**وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَن عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا اَبْلَاهُم مِّن مِّنِهِ الْمُتَابَعَةِ وَ اَسْبَغَ عَلَيْهِم مِّن نِّعْمَتِهِ الْمُتَظَاهِرَةَ لَتَضَرَّعُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِّنْ حُدُودِ الْاِنْسَانِيَةِ اِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ**» «**اِنْ هُمْ اِلَّا كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِيْلًا**» (فرقان/۴۴)؛ (کبیر مدنی شیرازی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۷/۱) سپاس خداوندی را که اگر معرفت شکر نعمت‌های خود را که پیوسته بر بندگان فرود می‌آیند و یکی پس از دیگری به ظهور می‌پیوندند به آنان عطا نمود، بندگان در نعمت‌های او تصرف فراوان نموده است و به توسعه زندگی خویش می‌پرداختند، بدون آن که به منعم توجه کنند و در این صورت از فطرت و حدود انسانیت خارج شده و همانند بهائم زندگی می‌کردند آن‌چنان می‌گردیدند که خداوند متعال فرموده است که آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌تر از آن‌ها هستند.

امام سجاد (علیه‌السلام) معتقد است که شکرگزاری حقیقی که انسان را مستحق افزایش روزی از جانب خداوند می‌سازد، امری فطری و الهامی است که خداوند در نهاد انسان قرار داده است؛ چنانچه فرمود: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَ اَلْهَمَّنَا مِنْ شُكْرِهِ وَ فَتَحَ لَنَا مِنْ اَبْوَابِ الْعِلْمِ**

بِرُبُوبِيَّتِهِ: (کبير مدني شيرازي، ۱۴۰۹ق: ۲۱۸/۱) ستايش خداوندی را که خود را به ما شناساند و شکر خود را به ما الهام کرد با ربوبیت خویش از ابواب علم به روی ما گشود».

شکر در اینجا ستودن قدرت خداوند است که یکی از آثار قدرتش اعطای درک شکر و توان شکرگزاری است. حضرت در این بخش از دعا چند نعمت را که از آثار قدرت خداوند است، شمرده است. ۱. اعطای نعمت توان فهمیدن شکر و شکرگزاری؛ ۲. اعطای دانش و علم؛ ۳. اعطای توان اخلاص در توحید؛ ۴. دوری از الحاد و شک درباره خدا.

۱-۱-۲. فضیلت و جایگاه شکر

شکر خداوند، انسان را به منتهای آمال خود که رسیدن به رزق طیب پایدار و فوز عظیم رستگاری است، می‌رساند. امام (علیه‌السلام) در صحیفه به جایگاه رفیع شکر، اشاره کرده است، می‌فرماید: «**يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ**»: (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۷ق: ۱۳۲) ای کسی که شکر او برای شاکران رستگاری است».

صاحب ریاض السالکین می‌گوید: «خدای متعال مقام شکر را این چنین بالا برد که حتی بندگانش خاص الهی به جز اندکی از آن قیام به شکر نمی‌کنند. شکر شناخت نعمت منعم است و اگر کسی نعمت را شناخت، شکر آن را به‌جا آورده است». (نک. فهری، ۱۳۷۳: ۵۴۱)

از فضایل و جایگاه رفیع شکر آن است که خدای متعال آن را در کنار ذکر خود قرار داده است، می‌فرماید: «**فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ**» (بقره/۱۵۲)؛ پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به‌جای آرید و با من ناسپاسی نکنید».

۲-۱-۲. ارکان و عناصر شکر

شکر از برترین اعمال است که از سه رکن علم و معرفت، حال و عمل تشکیل شده است.



الف. علم و معرفت

اولین رکن شکر، علم و معرفت به آن است که امام سجاد (علیه السلام) در دعای خود به آن اشاره فرموده است. «فَشَكَرَ عَزُوجَلَّ مَعْرِفَةَ الْعَارِفِينَ بِالتَّقْصِيرِ عَنِ مَعْرِفَتِهِ وَ جَعَلَ مَعْرِفَتَهُمْ بِالتَّقْصِيرِ شُكْرًا»؛ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۹۴/۸) پس شکر خدای عزوجل شناخت عارفین به کوتاهی آنها از معرفت شکر اوست و شناخت عارفین را به کوتاهی و قصور شکر قرار داد. «سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالنِّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۳) منزه است کسی که وضع نمود اعتراف به نعمت را، پس ستایش مخصوص اوست».

ب. حال درونی

شادمانی و سرور از نعمت، همراه با حال خضوع و تضرع رکن دیگری از شکر است. «وَ أبدأ بِهِمْ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَ أفرج هَمِّي وَ ارزُقْنِي بِرِدِّ عَفْوِكَ وَ جلاوَةَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ انتِظارَ أَمْرِكَ»؛ (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۳ / ۳۵۱) و از هر چیزی برای ایشان آشکار و ظاهر شد و همت مرا برسان و جدیت و عفو خودت را روزیم کن و شیرینی یاد خود و شکر خود را و انتظار امرت را نصیب فرما». شکرگزاری و طاعت پروردگار اوج بندگی است، چنانچه از مهم‌ترین آداب دینی ما سجده مخصوصاً سجده شکر است. در مناجات شعبانیه خطاب به خداوند می‌فرماید «وَ اعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ»؛ بنابراین شکر موجب سرور و نشاط بنده و خشنودی پروردگار است.

ج. عمل

به‌کارگیری نعمت‌ها در مسیر رضای الهی، نمود بیرونی شکرگزاری است و عملی که از سرور حاصل از شناخت ناشی می‌شود به زبان و قلب و جوارح تعلق دارد. «وَ لَوْ كَانَتْ الْمُطِيعَ عَلَيَّ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لِأَوْشَكَ أَنْ يَنْقَدَ ثَوَابِكَ وَ لَكِنَّكَ بِكَرَمِكَ جَارِيْتَهُ عَلَيَّ الْمُدَّةِ الْقَصِيرَةِ الْفَانِيَةِ بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْخَالِدَةِ وَ عَلَيَّ الْغَايَةِ الْقَرِيبَةِ الزَّائِلَةِ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ الْبَاقِيَةِ»؛ (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۴۱۶) اگر بندگان را به کاری که آنان به آن گمارده و موفق کرده‌ای و برچسب آن تائیدها که به آنان عطا فرموده‌ای و متولی کار آنان بوده‌ای ملاحظه فرمایی، هرگز استحقاق پاداش را ندارند، ولی کرم تو آن چنان است که در برابر عمل مختصر آنان که در مدت کوتاهی بجا آورده‌اند، نعمت بی‌پایان به آنان عطا می‌کنی».

نعمت‌های مادی و معنوی پروردگار آن‌چنان سر تا پای وجود و محیط زندگی ما را فرا گرفته‌اند که قابل احصاء و شمارش نیست. به‌علاوه آنچه از نعمت‌های می‌دانید، در برابر آنچه نمی‌دانید، قطره‌ای در برابر دریاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۵۶/۱۰).

امام به دریای فضل الهی این‌چنین اشاره می‌فرماید: «فَإِنْ دَعَوْتُكَ اجْتَبَنِي وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي (حلی، ۱۴۰۸ ق: ۳۷۳)؛ پس اگر بخوانم تو را اجابت می‌کنی مرا و اگر درخواست کنم از تو، می‌بخشی مرا و اگر شکر کنم، تو را زیاد می‌کنی آن را (نعمت) برایم». خداوند متعال اعلام می‌دارد که شکر نعمت خود در حقیقت، استعمال نعمت است و از الطاف کریمه خدای سبحان این است که وعده زیاد کردن نعمت را به‌طور صریح و با تأکید آورده است، حتماً نعمت را برایتان زیاد می‌کنم.

امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در دعای شکر، به‌جا آوردن شکر خدا را عامل ریزش فضل و رحمت و عدم سپاسگزاری به سبب اشتغال انسان به سرگرمی‌های زینده دنیا را عامل قلت رزق بیان داشته است، می‌فرماید:

«وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ مِنْ فَضْلِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ نِعْمَةً مِنْكَ سَابِعَةً وَ عَطَاءً غَيْرَ مَمْنُونٍ وَ لَا تَسْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ بِإِكْتَارٍ مِنْهَا تَلْهِيَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ وَ تَفْتِنِي زَهْرَاتُ نَضْرَتِهِ وَ لَا يَأْقِلَالِ عَلَيَّ مِنْهَا فَيَقْصُرَ بِعَمَلِي (ابن طاووس، ۱۳۳۰ ق: ۳۷۵)؛ و ای خداوند، از فضلت هر جا که می‌خواهی بر من ببخش و رحمت را بر من بگستر و از برکات نعمتی فراگیر و عطای بی‌مندی بر من نازل کن و مرا با انبوه نعمت از شکرگزاری نعمت مشغول مگردان، چنانکه شگفتی‌های زیبایی آن مرا به غفلت اندازد و شکوفه‌های شادابی‌اش مرا فریب دهد و با کمی نعمت نیز مرا در تنگنا قرار مده، تا کوشش و تلاشم ناقص شود».

۲-۲. زهد

یکی از راه‌های حفظ رزق طیب و از محسنات اخلاقی، اعراض قلبی و عملی از دنیا مگر به مقدار نیاز ضروری است. زاهد کسی است که از دنیا برای آخرت و از غیر خدا، دل می‌برد؛ بنابراین، زهد نسبت به کسی صادق است که در مرتبه اول، امکان تحصیل دنیا و برخورداری از آن را داشته باشد و در مرتبه دوم، روی برتافتن او از دنیا به دلیل پستی و حقارت دنیا نسبت به آخرت باشد (نراقی، ۱۳۷۷ ش: ۵۹/۲) و

این گونه رفتار از عالی‌ترین مقامات پارسایی است و انسان برای خلاصی از خطرات و ناگواری‌های حَبّ دنیا، راهی جز زهد و پارسایی ندارد.

امام سجاد (علیه‌السلام) در مناجات الزاهدین می‌فرماید: «إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَاراً حَضَرَتْ لَنَا حُفْرَ مَكْرِهَا وَ عَلَّقَتْنا بِأَيْدِي الْمَنَايَا فِي حَبَائِلِ غُدْرِهَا؛ (مجلسی، ۱۴۲۳ق: ۴۱۷) خدایا ما را در خانه‌ای مسکن دادی که گودال‌های نیرنگ را برای ما کنده و ما را با چنگال‌های آرزو به دام خود آویخته است.»

سپس امام در ادامه سخن خود، آثار زهد را بیان می‌فرماید:

۱. «تَوَلَّ امُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ»؛ سرپرستی امور با حُسن کفایت خداوند.
۲. «أَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ»؛ فراوان شدن وسعت رحمت الهی.
۳. «أَجْمِلْ صَلَاتِنَا فَيْضَ مَوَاهِبِكَ»؛ دریافت پاداش و فیض مواهب الهی.
۴. «أَغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ»؛ ازدیاد حَبّ الهی.
۵. «أَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَ لَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ»؛ چشیدن عفو و لذت غفران الهی.
۶. «أَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَتِكَ»؛ رسیدن به مقام لقاءالله.
۷. «أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا»؛ خارج شدن محبت دنیا از قلب انسان.
۸. «كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَ الْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ»؛ قرار گرفتن در صف صالحین، برگزیدگان و ابرار.

امام علیه‌السلام در بیان برکات و آثار زهد، که هرکدام رزقی طیب و پایدار برای انسان هستند، همگان را هنگام برخورداری از انواع نعمت‌های دنیایی، به بی‌میلی و عدم وابستگی به تعلقات دنیا تشویق می‌کند. این تعلقات شامل مال و ثروت، ریاست و مقامات دنیایی و هر آنچه وابسته به آن است، می‌شود. هدف این است که انسان با به‌کارگیری صحیح از نعمت‌های دنیایی و استفاده از آن‌ها در مسیر خشنودی خداوند، به فیض لقاءالله و رفاقت با اولیا خدا واصل گردد. چنانچه فرمود: «اللَّهُمَّ إِنْ بَسَطْتَ عَلَيَّ الدُّنْيَا فَرَهْدَنِي فِيهَا وَ إِنْ قَتَرْتَ عَلَيَّ رِزْقِي فَلَا تَرْعَبْنِي فِيهَا (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۲۹۷/۱)؛ خدایا اگر گشایش و روزی زیاد به من در دنیا دادی، پس مرا نسبت به آن بی‌میل و رغبت قرار بده و اگر روزیم را کم کردی، پس علاقه‌ام را به آن قرار مده.»

۳-۲. توکل

یکی دیگر از راه‌های حفظ و مداومت رزق طیب واگذار نمودن جمیع امور است به مالک آن و اعتماد به وکالت اوست. (کاشانی، ۱۳۸۳ش: ۱۷۱) توکل از منازل دین و از مقامات اهل یقین است که ارکانی دارد.

امام سجاد علیه‌السلام در دعای معروف به حرز کامل، کفایت خدای سبحان را از باب ربوبیت، خالقیت و رازقیت، این‌گونه بیان می‌فرماید: «حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِيَ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَسْبِيَ الَّذِي لَا يَمُنُّ عَلَى الَّذِينَ يَمُنُّونَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۱۲)؛ کفایت می‌کند پروردگار از مربوبین؛ کفایت می‌کند آفریننده و خالق (خدای یکتا) از آفریدگان و کافی است برایم روزی‌رسان از روزی‌خواران؛ کفایت می‌کند مرا کسی که همیشه؛ کفایت می‌کند مرا و زوال ندارد کفایتش؛ کفایت می‌کند مرا خدایی که نیست معبودی جز او و پروردگار عرش عظیم؛ کفایت می‌کند مرا کسی که منت نمی‌گذارد بر کسانی که منت می‌گذارند و کفایت می‌کند خدا مرا و او بهترین وکیل است».

امام در قالب دعا، توکل به خدا در رزق را که از جمله امور فطری و عقلانی است، فقط شایسته مقام ذات احدیت دانسته و بیان می‌کنند که انسان محتاج اعتماد و واگذاری امورش به کسی است که مانند خود ما مفتقر نباشد، بلکه مستقل و غنی بالذات باشد. بنابراین، توجه ناقص به کامل مطلق برای رفع نقص و احتیاجش امری جبلی است و شایسته مقامی است که دارای ربوبیت، خالقیت، رازقیت و الوهیت باشد. زیرا غیر او همه فقیر بالذات و محتاج تدبیر او هستند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (طلاق/۳)؛ و او را از جایی که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد و هرکس بر خداوند توکل کند، پس او برایش کافی است»

۴-۲. قناعت و میانه‌روی

قناعت و میانه‌روی، دو گوهر ناب و کلیدی هستند که دریچه‌ای به سوی زندگی سعادت‌مندانه همراه با رزق طیب می‌گشایند. قناعت حالتی برای نفس است که موجب اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت است. (نراقی، ۱۳۷۷ش: ۳۹۷) قناعت، انسان را به قدر حاجت و ضرورت خرسند می‌سازد و از اسراف و تبذیر، آن آفت جان‌کاه، باز می‌دارد. میانه‌روی در کسب و کار و پرهیز از زیاده‌خواهی، انسان را

در حریم الهی محفوظ می‌دارد و از تجاوز از حد اعتدال در جلب منافع شخصی دوری می‌گزیند. این خوی نیکو، بستر پایداری رزق طیب و برکت در زندگی را فراهم می‌کند.

قانع بودن و زیاده‌خواه نبودن در دو محور قرار دارد. الف. محور رابطه انسان با خداوند: قناعت در این محور یعنی به آنچه خدا داده است، راضی بودن و خدا را به کم‌دادن متهم نکردن. ب. محور اخلاق و حقوق: به حق خود راضی بودن و به حقوق مادی و معنوی دیگران تجاوز نکردن؛ یعنی حلال و حرام را رعایت کردن. اما زین‌العابدین (علیه‌السلام) درباره قناعت فرازهایی را در صحیفه سجادیه بیان فرموده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ طَيِّبْ لِي كَسْبِي وَ قِنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى طَرْفَةِ عَيْنٍ أَبَدًا»؛ (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۱۵۴/۱) خدایا گناهانم را ببخش و کسبم را برایم پاکیزه کن و قانع کن مرا به آنچه روزیم کرده‌ای و مرا لحظه‌ای به خود وا مگذار.

«وَ مَنِّعْنِي يَا إِلَهِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ مَا رَزَقْتَنِي مِنْ رِزْقٍ فَارِنِي فِيهِ عَدْلًا حَتَّى أَرَى قَلِيلَهُ كَثِيرًا وَ أَبْذُلُهُ فَيْكَ بَدَلًا وَ لَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ طَوَّلَتْ لَهُ فِي الدُّنْيَا أَمَلَهُ وَ قَدْ انْقَضَى أَجَلُهُ وَ هُوَ مَغْبُورٌ عَمَلُهُ»؛ (ابن طاووس، ۱۳۳۰ق: ۴۳۳) خدایا مرا قانع کن به آنچه روزیم کرده‌ای و در آنچه روزیم فرمودی، عدالتی نشانم بده تا اندک آن را بسیار بینم و آن را در راه تو به خوبی ببخشم و قرار مده مرا از کسانی که آرزوهایشان در دنیا طولانی شد و زمان و فرصت او تمام شد، درحالی که عمل او زیان دیده است.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ قِنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِي مَا أَعْطَيْتَنِي وَ أَسْبِعْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ هَبْ لِي شُكْرًا»؛ (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق: ۴۳۰/۱) خدایا، بر محمد (ص) درود فرست و مرا در راه اطاعتت به کار گیر و به آنچه به من روزی داده‌ای، قانع کن و آنچه را به من داده‌ای، برکت ده و نعمت خود را بر من افزون کن و شکرگزاری را به من عطا کن.

بر اساس محورهای قناعت و فراز دعای امام (علیه‌السلام)، باید گفت انسان همیشه یا با طبیعت روبه‌روست یا با جامعه و گاهی با هر دو و در تمام این موارد باید قانع بود؛ زیرا با عدم قناعت حریص‌ترین افراد در جمع اموال خواهد شد و بالاخره آرزو می‌کند چیزی از نعمت‌ها در دست دیگران باقی نماند و این همان روحیه استکبار و سلطه‌جویی بر دیگران است که ثمره آن، ظلم و استثمار بر افراد و حتی بر جوامع دیگر است که امروزه به خوبی در جهان مشاهده می‌شود. بنابراین، داشتن روحیه قناعت در زندگی موجب سلامت فرد و اجتماع می‌شود و انسان را در حریم الهی محفوظ نگه می‌دارد و باعث می‌شود فرد از حد

اعتدال و میانه‌روی در کسب روزی حلال و جلب منافع شخصی عدول نکند و به حقوق دیگران تجاوز ننماید و در حدود شرع، خود را حفظ می‌کند. شرع مقدس حدود هر چیزی را در مصرف شخص معین نموده است تا بیشتر از حد لزوم صرف و خرج نشود. به بیان دیگر، قناعت اعتدال و میانه‌روی، رضایت به کم و حسن تدبیر معاش بدون دوست داشتن زیاد از حد زندگانی است. آیات قرآن درباره نکوهش اسراف و تبذیر و جایگاه میانه‌روی و استفاده صحیح از نعم الهی فراوان است.

۱-۴-۲. رضایت به رزق مقدر

از مهم‌ترین آثار قناعت در رزق طیب، رسیدن به مقام رضای الهی است. رضا، خشنودی بنده از حق تعالی و اراده مقدرات او و مرتبه‌اعلای آن، از اعلا مراتب کمال انسانی و بزرگ‌تر از مقامات اهل جذب و محبت است و فوق مقام تسلیم و دون مقام قناست (امام خمینی، ۱۳۷۷ش: ۱۶۱) امام الساجدین (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَقِّفْنِي لِقَبُولِ مَا قَضَيْتَ لِي وَاعْلَى وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِنِّي وَاهْدِنِي لِتِلْكَ هِيَ أَقْوَمُ وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَسْلَمُ؛ (صحیفه سجادیه کامله، دعا ۱۴) خدایا بر محمد و آلش درود فرست و مرا توفیق ده تا هر آنچه درباره‌ام قضا کرده‌ای به سودم باشد یا به ضررم، بپذیرم و مرا بر آنچه برایم برگزیده‌ای یا از من برگرفته‌ای، راضی گردان و هدایتم کن مرا به استوارترین راه و مرا به آنچه سالم‌تر است به کار گیر».

از آنجاکه انسان به خواست و قضای الهی موجود مختار است، می‌تواند در جریان قدرها دخالت و تصرف کند؛ تا به آنچه می‌خواهد برسد، خواه هدفش انسانی و مشروع باشد خواه غیرانسانی و نامشروع. بنابراین انسان حتی در «مختار بودنش» نیز مجبور است و پیوسته در قضا و خواست الهی به سر می‌برد و مختار بودن با «مفوض بودن» متفاوت است، اختیار داشتن غیر از رها شدن به حال خود است. خداوند گاهی در تصمیم انسان دخالت می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال/۲۴)؛ خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد». خداوند میان انسان و قلبش حائل می‌شود و گاه او را از اراده سوءاش منصرف می‌کند و قلب او را هدایت می‌نماید. بنابراین قضا، خواه بنده راضی باشد یا نباشد، خواهد آمد و اگر بنده راضی باشد، اجرش عظیم می‌شود و در زمره هدایت شدگان قرار می‌گیرد و هرکس به مقام رفیع‌تری از معرفت الهی رسیده باشد، رضایت و خشنودی‌اش به مقدرات الهی نیز بیشتر است. «وَرَضْنِي بِمَا أَخَذْتَ لِي وَمِنِّي؛ و مرا راضی کن به آنچه برای من برگزیده‌ای و به آنچه از من برگزیده‌ای»؛ «و»

اهدنی لئلی هی آقوم». امام (علیه السلام) در این جمله خواستار نهادینه شدن رضا و خشنودی به تقدیرات الهی در قلب انسان هستند.

ایشان در سخن دیگر، خشنودی به تقدیر رزق را از آثار قناعت انسان شمرده‌اند؛ «وَأَنْ تُقْنَعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي وَأَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جِسْمِي وَعُمُرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ؛ (کنعمی، ۱۴۰۵ق: ج ۵۷) خدایا مرا به اندازه‌ای که روزیم را مقدر نموده‌ای، قانع بنما و به بهره‌ام در آنچه که بهره من گردانیده‌ای، خشنودم فرما و از آنچه از تن و عمرم به کار رفته است، در راه فرمان‌برداریت قرار بده». آنچه حضرت در این فراز ذکر کرده‌اند، خشنودی از تقدیر الهی است که آرام بخش است و او را از نگرانی و اضطراب از معیشت رها می‌سازد.

۵-۲. عمل به دستورات قرآن

امام سجاد (علیه السلام) در دعای ۴۲ صحیفه، عمل به فرامین قرآن را موجب رفاه و فقرزدایی می‌داند و به همگان می‌آموزد که عمل به دستورات قرآن، فقر و گرسنگی را در جامعه برطرف و زندگی آرام و فراخ و خوشی برای عموم مردم ایجاد می‌کند. «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَدَمِ الْإِمْلَاقِ وَ سُقِّ النِّيَابَةِ رَغَدَ الْعَيْشِ وَ خِصَبِ سَعَةِ الْإِرْزَاقِ وَ جَنَّبْنَا بِهِ الصَّرَائِبَ الْمَذْمُوعَةَ وَ مَدَانِيَ الْأَخْلَاقِ؛ خدایا بر محمد و آلش درود فرست و فقر ما را با قرآن جبران و شیرینی زندگی و وسعت رزق را به ما کرامت فرما و از خوی‌های مذموم و اخلاق پست دور بدار».

مقصود امام (علیه السلام) این است که مردم به قرآن کریم پای‌بند و به دستورات آن عمل کنند تا در سایه آن هرگونه گزند از جامعه اسلامی رخت برنندد. اگر در نظام اقتصادی جامعه، تمامی احکام دین پیاده شود، به‌طور یقین، کمترین تنش در جامعه نخواهد بود و همگی با کمال عافیت به زندگی مسالمت‌آمیز ادامه خواهند داد. اجتماعی که در آن رباخواری، کم‌فروشی، احتکار و منفعت‌طلبی و جاه‌طلبی با عمل به فرامین قرآن ریشه‌کن گردد، آکنده از صدق و صفا و صمیمیت می‌شود و عافیت و سلامت در همه شئون زندگی حاکم خواهد شد (ممدوحی، ۱۳۴۶ش: ۳/۳۴۶ - ۳۴۵).

مال و آنچه از حقیقت روح آدمی جداست، کمال انسان نیست؛ بلکه وسیله رفع نیازهای طبیعی اوست و چون تهیه وسایل آن، بدون رنج نیست، مقدار معقولی از کشش درونی و لذت تملک در نهاد طبیعی انسان ذخیره شده تا به بها و بهانه آن، رنج تحصیل مال تحمل شود.

امام سجاد (علیه السلام) در ادامه دعای خویش، پس از بیان اثرات دنیوی قرآن و عمل به آن، به فواید اخروی آن نیز اشاره کرده‌اند. همان‌طور که قرآن و عمل به آن، فقر را از بین برد و به زندگی وسعت می‌بخشد، نجات در روز قیامت و خشنودی خداوند را نیز به ارمغان می‌آورد. خطوط کلی اقتصاد اسلامی بر پایه دستورات قرآن و قسط و عدل است. این نظام اقتصادی، با هدف ایجاد تعادل در جامعه به دنبال کاستن از ثروت افراطی ثروتمندان و رفع فقر و محرومیت از زندگی فقرا است و از این بستر، رزق طیب انسان از آفات دنیا محفوظ می‌ماند.

نتیجه‌گیری؛

از آنچه گفته شد، نتایج ذیل به دست می‌آید:

از منظر امام سجاد (علیه السلام) عوامل پایداری رزق طیب عبارتند:

۱. حمد و شکر رازق، رحمت و روزی الهی را به ارمغان می‌آورد و حافظ رزق طیب است. امام سجاد علیه السلام در دعاهايشان، با شکرگزاری نعمت‌های خاص انسانی، مراتب سپاس خود را به خداوند نشان می‌دهند. شکرگزاری، افزاینده نعمت است و بر سه رکن استوار است:
 ۱. علم و معرفت: شناخت نعمت‌ها و درک عظمت آن‌ها، اولین گام شکرگزاری است.
 ۲. حال درونی: شادمانی و سرور از نعمت همراه با حال خضوع و تضرع، رکن دیگری از شکر است.
 ۳. عمل: به کارگیری نعمت‌ها در مسیر رضای الهی، نمود بیرونی شکرگزاری است.با شکرگزاری، دریچه‌های رحمت الهی گشوده شده و نعمت‌های بی‌کران خداوند بر ما نازل می‌شود.

۲. یکی از اسباب حفظ و پایداری رزق طیب زهد است. امام سجاد علیه السلام در کلامی نورانی، برکات و آثار زهد را که هرکدام رزقی طیب و پایدار برای انسان هستند، بر می‌شمارند و انسان را به بی‌میلی و عدم وابستگی به تعلقات دنیوی در هنگام برخورداری از نعمت‌ها تشویق می‌کنند. زهد، به معنای بی‌رغبتی به دنیا و دل‌بستگی به آخرت است و شامل مال و ثروت، مقامات دنیوی و هر آنچه وابسته به دنیا است، می‌شود.

۳. توکل، به معنای واگذاری تمام امور به خداوند و اعتماد به یاری و کفایت اوست. این امر، فطری و ذاتی انسان است، چرا که انسان ناقص، برای رفع نیازهای خود به کامل مطلق، یعنی خداوند، پناه می‌برد و خداوند نیز برای او کافی است و تمام امور او، از جمله رزق و روزی‌اش را کفایت می‌کند. امام سجاد علیه‌السلام در دعاهای متعدد خود، به کفایت خداوند در همه امور، از جمله رزق و روزی، اشاره کرده‌اند. بر اساس آموزه‌های ایشان، هر کس بر خدا توکل کند، خداوند برای او کافی است و تمام امور او، از جمله رزق و روزی‌اش را بر عهده می‌گیرد. به این ترتیب، رزق طیب و حلال شخص با توکل بر خدا محفوظ و پایدار می‌ماند.
۴. قناعت و میانه‌روی، دو گوهر ناب و کلیدی هستند که دریچه‌ای به سوی زندگی سعادت‌مندانه می‌گشایند. قناعت، انسان را به قدر حاجت و ضرورت، خرسند می‌سازد و از اسراف و تبذیر، باز می‌دارد. میانه‌روی در کسب و کار و پرهیز از زیاده‌خواهی، انسان را در حریم الهی محفوظ می‌دارد و از تجاوز از حد اعتدال در جلب منافع شخصی دوری می‌گزیند. این دو خوی نیکو، در کنار یکدیگر، بستر زندگی سعادت‌مندانه را فراهم می‌کنند و موجب سلامتی و سعادت فرد و جامعه و پایداری رزق و برکت در زندگی می‌شوند.
۵. بر اساس دعای ۴۲، امام سجاد عمل به فرامین قرآن را موجب فقرزدایی و وسعت در رزق دانسته است و اگر جامعه به قرآن عمل نماید رباخواری، کم‌فروشی، احتکار و منفعت‌طلبی و جاه‌طلبی، فقر و گرسنگی در جامعه برطرف می‌گردد و رزق طیب محفوظ می‌ماند.

فهرست منابع:

- قرآن مجید.
- صحیفه سجادیه.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). **المحکم و المحيط الأعظم**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). **تحف العقول**. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۳۰ق). **جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع**. قم: دار الرضی.
- _____ (۱۳۷۶). **الإقبال بالأعمال الحسنة (ط - الحدیثه)**. محقق و مصحح: جواد قیومی اصفهانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۴۰۹ق). **إقبال الأعمال (ط - القدیمة)**. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- _____ (۱۴۱۱ق). **مهج الدعوات و منهج العبادات**. محقق و مصحح: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر. قم: دار الذخائر.
- ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. محقق: عبد السلام محمد هارون. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. مرکز النشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). **لسان العرب**. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- زهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). **تهذیب اللغة**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- امام خمینی، روح الله الموسوی. (۱۳۷۷ش). **جنود عقل و جهل**. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۹ش). **تفسیر و شرح صحیفه سجادیه**. قم: دار العرفان.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ش). **فرهنگ ابجدی**. مترجم: رضا مهیار. چاپ دوم. تهران: اسلامی.
- حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر. (۱۴۰۸ق). **العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة**. محقق و مصحح: مهدی رجائی و محمود مرعشی. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). **فرهنگ دهخدا**. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۹۹). **اساس البلاغة**. بیروت: دار صادر.
- شرتونی، سعید. (۱۳۷۴ش). **أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد**. تهران: نظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه. دار الأسوة للطباعة و النشر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). **العین**. محقق: مهدی مخزومی. چاپ دوم. قم: مؤسسه دار الهجرة.
- فهری، احمد. (۱۳۷۳ش). **ترجمه و شرح صحیفه سجادیه**. قم: اسوه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). **القاموس المحيط**. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله. (۱۴۰۷ق). **الدعوات (لراوندي) / سلوة الحزين**. قم: انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
- کاشانی، عبدالرزاق. (۱۳۸۳ش). **شرح منازل السائرین**. تهران: بیدار.
- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد. (۱۴۰۹ق). **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین**. محقق و مصحح: محسن حسینی امینی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافی (ط - الإسلامية)**. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۰۵ق). **المصباح للکفعمی جنة الأمان الواقية**. چاپ دوم. قم: دار الرضی (زاهدی).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۳ق). **زاد المعاد - مفتاح الجنان**. محقق و مصحح: علاء الدین اعلمی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- مدنی، علیخان بن احمد. (۱۴۰۹ق). **ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین صلوات الله علیه**. مقدمه نویس: محسن حسینی امینی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۷۱ش). **المنجد فی اللغة**. چاپ سوم. قم: اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱ش). **تفسیر نمونه**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ممدوحی، حسن. (۱۳۴۶ش) **شهود و شناخت**، قم: بوستان کتاب.
- نراقی، احمد. (۱۳۷۷ش). **معراج السعادة**، قم: هجرت.